



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران

نظرات اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران درباره بودجه ۱۴۰۰



مقدمه

بودجه در عموم کشورها مهم‌ترین سند سیاست‌گذاری اقتصادی سالانه است که در آن دولت شناخت خود را درباره مهم‌ترین مسائل اقتصادی و اجتماعی، نحوه اولویت‌بندی مسائل و راه‌حل‌های پیشنهادی برای آن‌ها مطرح می‌کند. بررسی و تصویب این سند توسط مجلس شورای اسلامی نیز علاوه بر اینکه تأمین‌کننده حقوق عموم مردم به‌عنوان پرداخت‌کنندگان مالیات و صاحبان منابع عمومی است، ضمانت کافی برای پاسخگویی‌های بعدی مقامات در خصوص منابع عمومی در اختیار را در قبال مجموعه تصمیمات فراهم می‌کند. از دیدگاه اقتصادی در عموم کشورهای پیشرفته، بودجه سالانه فقط محمل سیاست‌گذاری مالی است و از دیدگاه اقتصاد کلان عمدتاً در هنگام بروز چرخه‌های اقتصادی رکودی، سیاست‌های ضد چرخه‌ای دولت که موجب خروج از رکود می‌شود موردتوجه فعالان اقتصادی قرار دارد. در این کشورها سیاست‌های مالیاتی و تعرفه‌ای و ارزی دولت‌ها تعریف شده، باثبات و پایدار است و فعالان اقتصادی چون می‌دانند دولت منطق تخصیص منابع توسط سازوکار بازار را پذیرفته است نگران اختلال در عملکرد بازار از طریق سیاست‌های بودجه‌ای نیز نیستند.

واقعیت آن است که سال‌هاست همه دست‌اندرکاران سیاست‌گذاری در کشور دریافته‌اند که چارچوب‌های بودجه‌ریزی در ایران دارای ایرادهای ساختاری است و این ایرادها موجب شده‌اند که بودجه سالانه نه تنها توان ایجاد ثبات در متغیرهای اقتصاد کلان مانند نرخ تورم و نرخ ارز و قیمت کالاها و خدمات را ندارد بلکه متأسفانه فعالان اقتصادی همواره نگران تصمیماتی هستند که در فرایند تهیه و تصویب بودجه و عمدتاً خلق الساعه گرفته می‌شود و علاوه بر بی‌ثباتی متغیرهای اقتصاد کلان، بر محیط کسب‌وکار فعالان اقتصادی بخش خصوصی اثرات منفی می‌گذارد.

علاوه بر این، کشور در چند سال گذشته درگیر یک جنگ اقتصادی بی‌امان بوده است. اگرچه یکی از پایه‌های اصلی این جنگ، قطع درآمدهای نفتی کشور و کاهش قابل‌توجه منابع در اختیار دولت بوده است و هزینه تأمین منابع را برای دولت افزایش داده است، اما هزینه‌های اختلال در صادرات غیرنفتی و دشوار کردن نقل‌وانتقال منابع عمدتاً به بخش خصوصی تحمیل شده است. در چنین شرایطی اداره امور توسط دولت هم دچار اختلال شده است و ترکیب منابع و مصارف کشور را نسبت به روندهای بلندمدت بر هم زده است. بخش خصوصی بر دشواری تنظیم بودجه در این شرایط واقف است و در حد توان خود سعی کرده است به دولت در انجام وظایف خطیر خود که تأمین و تدارک کالاها و خدمات عمومی برای آحاد مردم است کمک کند.

محورهای مهم بودجه ۱۴۰۰

اینک لایحه بودجه ۱۴۰۰ تقدیم مجلس شورای اسلامی شده است و طبعاً نمایندگان و کمیسیون‌های تخصصی محترم مجلس شورای اسلامی باید نسبت به تصمیمات دولت بررسی‌های لازم را انجام دهند و بودجه سال ۱۴۰۰ را تصویب کنند. توجه به محورهای زیر می‌تواند به تصمیمات مجلس در بودجه در حوزه امور اقتصادی انتظام ببخشد:

- اولین و مهم‌ترین موضوع موردتوجه بخش خصوصی در بودجه سالانه اثر آن بر متغیرهای اقتصاد کلان است. متأسفانه انتشار رسمی و علنی آثار بودجه بر متغیرهای اقتصاد کلان در ایران و سپس پاسخگویی درباره دلایل انحراف ارقام محقق شده از پیش‌بینی‌ها، معمول نیست. بر اساس بررسی‌های کارشناسی درباره لایحه بودجه ۱۴۰۰، مهم‌ترین ریسک‌های بودجه‌ای عبارت‌اند از میزان صادرات نفت، انتشار اوراق و فروش سهام و اموال دولت. با توجه به مجموعه تصمیمات اتخاذشده در چند سال گذشته و به‌ویژه در یک سال اخیر، حجم مخارج اجتناب‌ناپذیر دولت از جمله حقوق و دستمزد شاغلین و بازنشستگان و بازپرداخت اصل و سود بدهی‌های دولت بالغ بر ۷۰۰ هزار میلیارد تومان شده است. اگرچه کارشناسان درباره کارایی و لزوم انجام بخشی از این هزینه‌ها بحث‌های مهمی را مطرح می‌کنند اما واقعیت آن است که بدون انجام اصلاحات ساختاری درباره محدوده وظایف دولت و نحوه انجام این وظایف و همچنین مبتنی بر مفروضات لایحه بودجه ۱۴۰۰، باید در کوتاه‌مدت بخش مهمی از این مخارج



را اجتناب‌ناپذیر دانست. این امر موجب این نگرانی در بخش خصوصی شده است که در صورت عدم تحقق منابع حاصل از صادرات نفت یا فروش سهام و اموال دولت، عدم امکان کاهش مخارج، موجب اجبار دولت به استقراض مستقیم یا نامستقیم از بانک مرکزی یا انتشار اوراق خارج از ظرفیت اقتصاد ایران شده و زمینه‌های بروز تورم‌های سطح بالا، جهش مجدد ارزی و افزایش شدید نرخ سود شود. همچنین اگر شرایط صادرات نفت فراهم نباشد، تأکید بر انتشار اوراق افزایش خواهد یافت که در عمل با کاهش منابع قابل تصمیم‌گیری در بازار و افزایش نرخ سود، موجب فشار بر تأمین منابع توسط بخش خصوصی خواهد شد (اثر واگشت).

۲. منابع حاصل از صادرات نفت بخش مهمی از منابع بودجه عمومی دولت در سال ۱۴۰۰ را تشکیل می‌دهد (برحسب فروض مختلف بین ۳۰ تا ۵۰ درصد). صرف‌نظر از این موضوع، همانند چند سال اخیر بار دیگر از منابع سهم صندوق توسعه ملی برای تأمین مالی مصارف بودجه‌ای استفاده شده است. بررسی عملکرد صندوق توسعه ملی در پرداخت تسهیلات ارزی، سپرده‌گذاری ارزی و تسهیلات ریالی نشان‌دهنده این موضوع است که علی‌رغم صراحت اساسنامه صندوق بر مستقل بودن صندوق توسعه ملی از مصارف بودجه‌ای، در سال‌های اخیر مصارف صندوق توسعه ملی متأثر از قوانین بودجه‌ای بوده است. این اتفاق رویه نامناسبی است که تقریباً در حال از بین بردن ماهیت تشکیل صندوق توسعه ملی است. اساساً صندوق توسعه ملی باهدف تبدیل منابع حاصل از نفت به سرمایه‌های زاینده تشکیل شد و قرار بود که دولت منابع سهم خودش از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز را بردارد و بقیه را به این صندوق واریز کند تا از طریق سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی تبدیل به ثروت‌های دارای بازده شود ضمن آنکه حتی برای استفاده بخش عمومی غیردولتی نیز در اساسنامه صندوق توسعه ملی قید گذاشته شد. یعنی بیان شد که مجموع تسهیلات اختصاص‌یافته از منابع صندوق با عاملیت بانک‌ها به مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های تابعه و وابسته در حال نباید بیش از بیست درصد (۲۰٪) منابع صندوق باشد. متأسفانه همانند حساب ذخیره ارزی فلسفه وجودی این صندوق فراموش شد. یکی از سازوکارهای تقویت بخش خصوصی از طریق این صندوق است و در عمل به چنین احکام قانونی است که دولت‌ها و مجالس باید نشان دهند که به گسترش بخش خصوصی اهتمام دارند.

۳. رقم مالیات‌های مستقیم در کل و رقم مالیات بر اشخاص حقوقی غیردولتی در لایحه بودجه ۱۴۰۰ نسبت به قانون بودجه ۱۳۹۹ به ترتیب حدود ۵۰ درصد و ۵۵ درصد افزایش یافته است. اگرچه بخشی از این افزایش به دلیل نرخ بالای تورم و در مواردی نرخ ارز است اما با توجه به آثار شیوع کرونا بر کسب‌وکارها در سال ۱۳۹۹ این نگرانی وجود دارد که رشد ارقام مالیاتی در چنین سطحی موجب فشار مضاعف عوامل وصول مالیات بر کسب‌وکارهای شناخته‌شده و رسمی شود.

۴. شیوه ورود منابع ارزی حاصل از نفت و گاز به بودجه در ایران به گونه‌ای است که متغیرهایی مانند قیمت ارز، قیمت نفت و مقدار صادرات نفت را به متغیرهای سیاست مالی تبدیل کرده است و همین موضوع زمینه تورم پایدار دورقمی و گسترش بی‌رویه مخارج دولت را در پنج دهه اخیر فراهم کرده است. به‌رغم هدف‌گذاری چند برنامه پنج‌ساله توسعه برای کاهش وابستگی بودجه دولت به منابع حاصل از صادرات نفت، آنچه موجب کاهش اجباری سهم این‌گونه منابع در بودجه در دو سال اخیر شد تحریم‌های اقتصادی و کاهش منابع در دسترس بوده است که یکی از آثار آن افزایش شدید قیمت ارز و چند نرخی شدن ارز شد. علاوه بر این یکی از اهداف مهم سیاست‌های ارزی دولت در سه سال اخیر، کنترل قیمت کالاهای اساسی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر از طریق تخصیص ارز به قیمت ترجیحی بوده است. سیاستی که بر اساس گزارش‌های متعدد کارشناسی به هدف



خود نرسیده است. یکی از ویژگی‌های لایحه بودجه ۱۴۰۰، مبهم بودن سیاست ارزی و حمایتی دولت است.

۵. یکی از ضعف‌های نهادی بودجه‌ریزی در ایران، بی‌اعتبار بودن ترازهای بودجه‌ای مصوب مجلس شورای اسلامی است. بدان معنا که اگرچه به هنگام تهیه و تصویب بودجه با تعیین ارقام درآمدها، هزینه‌ها و واگذاری و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی، ترازهای عملیاتی و تملک سرمایه‌ای و مالی تعیین می‌شود اما در عمل با سازوکار تخصیص، بخش عمده عدم تحقق منابع نسبت به ارقام مصوب، از طریق عدم تخصیص اعتبارات مصوب به طرح‌های عمرانی جبران می‌شود. این امر در شرایطی که سهم اعتبارات هزینه‌ای و بازپرداخت بدهی‌های دولت از مصارف کشور در حال افزایش است در عمل موجب شده است تا سهم کمتری از منابع کشور صرف طرح‌های عمرانی شود، به گونه‌ای که طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۹۸ نسبت عملکرد اعتبارات عمرانی به اعتبارات هزینه‌ای به‌رغم نوسانی بودن، در مجموع سیر نزولی داشته است و به تدریج از ۴۵ درصد در سال ۱۳۷۶ به حدود ۱۴ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است. طبق ارقام لایحه بودجه - در صورتی که ۱۰۰ درصد اعتبارات عمرانی تخصیص داده شود که طبعاً دور از انتظار است - این نسبت حدود ۱۶ درصد خواهد بود. این موضوع در کنار افزایش قیمت فزاینده کالاها و مصالح و خدمات فنی و مهندسی موردنیاز اجرای طرح‌های عمرانی در کشور، موجب کاهش شدید قدرت خرید اعتبارات عمرانی تخصیص‌یافته و افزایش قیمت تمام‌شده طرح‌های عمرانی شده است. این در حالی است که یکی از مزیت‌های ایران، توان فنی و مهندسی موجود در کشور است که در قالب بخش پیمانکاری کشور فعال هستند. عدم تخصیص به‌موقع و کافی اعتبارات عمرانی به معنای بیکار بودن قسمت مهمی از ظرفیت شرکت‌های فعال در این حوزه است.

۶. به‌رغم ایجاد ظرفیت‌های قانونی تسهیل‌گر امر مشارکت عمومی - خصوصی در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ تحرک قابل‌ملاحظه‌ای در واگذاری پروژه‌های تملک دارایی سرمایه‌ای به چشم نمی‌خورد که طبیعتاً بخشی از آن تحت تأثیر شرایط اقتصاد کلان کشور است. بررسی تجربیات جهانی در زمینه مشارکت عمومی - خصوصی این واقعیت را نشان می‌دهد که دولت‌ها در هنگام مواجهه با کاهش منابع عمومی به سمت مشارکت عمومی - خصوصی می‌روند و منابع جذب‌شده از بخش خصوصی در حوزه زیرساخت، عدم کاهش سرعت توسعه زیرساخت کشور در زمان مواجهه با تنگنای مالی دولت‌ها را ضمانت می‌کند. علاوه بر ملاحظات مربوط به پایش تعهدات قراردادهای مشارکت عمومی و خصوصی، مسائل ناظر بر فرایند واگذاری پروژه‌ها و عدم شفافیت آن و همچنین مشکلات تأمین مالی این قراردادها از عمده چالش‌هایی است که سبب کاهش انگیزه بخش خصوصی برای مشارکت در این گونه پروژه‌ها شده است.

۷. تصمیمات بودجه‌ای دولت بر فضای کسب‌وکار بخش خصوصی اثرگذار است. یکی از این موضوعات، تصمیمات مربوط به افزایش حقوق و دستمزد در بودجه است که آثار خود را در میزان درخواستی برای افزایش دستمزدها برای سال ۱۴۰۰ نشان خواهد داد. همه دست‌اندرکاران به شرایط دشوار خانوارهای کشور در چند سال اخیر به لحاظ کاهش سطح رفاه اذعان دارند و گزارش‌های رسمی از جمله گزارش «برنامه دوسالانه دولت» که سال گذشته توسط سازمان برنامه و بودجه منتشر شد اذعان دارد که درآمد به قیمت‌های ثابت از حدود ۷۴ میلیون ریال سال ۱۳۹۰ به حدود ۴۸ میلیون ریال در سال ۱۳۹۸ کاهش یافته است. بخشی از این کاهش به کم‌رشدی و حتی توقف رشد اقتصادی کشور در دهه ۹۰ مربوط است و بخشی به تورم. تجربه کشورهای مختلف اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه نشان می‌دهد راه‌حل مقابله با فقر، افزایش سرمایه‌گذاری و تولید و همزمان کنترل تورم است. در غیر این صورت در مسابقه افزایش حقوق و دستمزد و تورم، تورم برنده بوده است. در حالی که



مقامات محترم دولت و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی دائماً از تورم فزاینده در کشور گلایه دارند و به سمت کنترل دستوری قیمت‌ها حرکت کرده‌اند، افزایش فزاینده دستمزدها در بخش خصوصی با توجه به سهم قابل توجه هزینه‌های نیروی انسانی در قیمت تمام‌شده کالاها و خدمات موجب افزایش قیمت تمام‌شده می‌شود که در ترکیب با حجم نقدینگی موجود در کشور، تورم فزاینده را به دنبال خواهد داشت.

۸. به‌رغم ارسال زودتر بودجه شرکت‌های دولتی به مجلس شورای اسلامی در پی اصلاح آئین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در اواخر مجلس دهم، هنوز گزارش دقیق، علنی و روشنی درباره کیفیت بودجه این شرکت‌ها که حجم منابع و مصارف آن طبق لایحه بودجه سال ۰۰۴۱ بالغ بر ۰۰۶۱ هزار میلیارد تومان است منتشر نشده است. سرمایه‌های این شرکت‌ها متعلق به عموم مردم است و مردم حق دارند تا علاوه بر گزارش‌های مالی دقیق، گزارش‌های کارشناسی درباره عملکرد سرمایه‌های در اختیار این شرکت‌ها را در اختیار داشته باشند. ترکیب هزینه‌های این شرکت‌ها، نسبت سود به سرمایه، هزینه تمام‌شده محصولات و سایر نسبت‌های مالی از جمله شاخص‌های مهمی است که مقایسه عملکرد آن‌ها با شرکت‌های مشابه داخلی و خارجی را امکان‌پذیر می‌سازد و سنجه‌هایی برای ارزیابی عملکرد آن‌ها را فراهم می‌کند.

پیشنهادهای

۱. بودجه، عالی‌ترین سند گفتگوی قوه مقننه و مجریه با یکدیگر و همزمان با آحاد مردم یک کشور است. این گفتگو به حدی اهمیت دارد که در اغلب کشورها چارچوب‌های حقوقی آن در اصول متعددی از قانون اساسی تعیین می‌شود و بر مبنای آن اصول، قوانین بودجه‌ریزی جزئیات کار را تعیین می‌کنند. موضوعاتی از قبیل حق و شیوه وضع مالیات، حقوق هر یک از قوا در فرایند بودجه، نحوه سازمان‌دهی دریافت‌ها و پرداخت‌های کشور توسط خزانه و وحدت خزانه، نحوه نظارت بر بودجه، ساختار اجرایی کشور و غیره از جمله مهم‌ترین این موضوعات است. متأسفانه پس از انقلاب اسلامی اهتمام لازم برای ایجاد یک چارچوب حقوقی منسجم و شفاف و دقیق درباره موضوعات فوق منطبق بر ساختار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ساختن نظریه‌ای برای شکل‌دهی به کارکردهای دولت، وجود نداشته است. در کنار این امر، فقدان مبانی نظری روشن درباره موضوعاتی مانند عدالت، توسعه ملی و منطقه‌ای، نحوه سازگاری خواسته‌های محلی با اهداف و ظرفیت‌های ملی، نحوه ساماندهی امور اجرایی در قوه مجریه، تعریف جامع و مانع منابع عمومی و غیره موجب شده است که به‌رغم توسعه زیرساخت‌ها و گسترش آموزش و بهداشت، عوارضی مانند نظام اداری گسترده و پرهزینه در کشور و چند پارچه در کشور، اتلاف وسیع منابعی مانند آب و انرژی، تخریب محیط‌زیست و محیط کسب و کار نامناسب برای فعالیت بخش خصوصی بروز کند. مهم‌ترین توصیه بخش خصوصی آن است که قوه مجریه و مقننه با درک درست و کامل از اهمیت موضوع، نسبت به اصلاح ساختار بودجه‌ریزی در کشور اقدام کنند. تحریم‌های اخیر به‌ویژه ایجاد محدودیت گسترده برای صادرات نفت ایران، ضمن آنکه عمق وابستگی اقتصاد ایران و دولت به این منبع را به دلیل مدیریت‌های ناصحیح قبلی نشان داد، موجودیت و مقبولیت نظام سیاسی کشور را هدف گرفته بود. به عقیده بسیاری از کارشناسان، دو هدف اساسی اصلاحات ساختاری بودجه، بازآفرینی ساختار اجرایی کشور و بازتعریف نحوه مدیریت و استفاده از منابع حاصل از تولید (نه فقط صادرات) نفت و گاز در کشور است و اگر کارهایی تحت عنوان اصلاح نظام بودجه‌ریزی در دستور کار قرار گیرد به این دو موضوع نپردازد، فایده چندانی نخواهد داشت. اصلاحات مزبور نیازمند استفاده از فرصت‌ها، تصمیم‌گیری‌های دشوار و حمایت گسترده آحاد مردم و کارشناسان است که زمینه‌های آن باید عمده‌تاً توسط سیاستمداران فراهم شود.



۲. منابع و مصارف بودجه جنبه پیش‌بینی دارد و هر پیش‌بینی مبتنی بر درجه‌ای از عدم قطعیت است. این امر به معنای آن نیست که مقام تهیه یا تصویب‌کننده به‌دلخواه خود مجاز است منابع و مصارف را با هر درجه‌ای از عدم قطعیت در بودجه منظور کند. منابع بودجه ۱۴۰۰ ریسک‌های عمده‌ای را متوجه ثبات اقتصاد کلان می‌کند. دلیل تصمیم دولت برای انتخاب چنین ترکیبی از منابع برای بودجه ۱۴۰۰، حجم و ترکیب مصارف است. پیشنهاد اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران مبتنی بر توضیحات بندهای قبلی آن است که با گفتگوی صادقانه و صریح با مردم، بخشی از مصارف دولت از طریق تعدیل درصد افزایش حقوق و دستمزد و فوق‌العاده‌های کارکنان، نظارت دقیق بر هزینه کرد بودجه دستگاه‌ها با روش‌هایی مانند پرداخت به ذینفع نهایی و اقداماتی از این قبیل کاهش یابد و متناسب با آن بخشی از منابع غیرقطعی تعدیل شود در صورت عدم پذیرش این پیشنهاد، توصیه می‌شود منابع و مصارف در دو سقف به تصویب برسد و انجام بخشی از مصارف منوط به تحقق منابع احتمالی شود.

۳. تعیین تکلیف سیاست حمایتی دولت در بودجه ۱۴۰۰ ضروری است. همان‌گونه که ذکر شد ارقام بودجه در این باره دارای ابهامات زیادی است اما برخی مقامات سازمان برنامه و بودجه بر تداوم سیاست تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی تأکید کرده‌اند. با توجه به تجربه سال‌های اخیر، پیشنهاد مشخص درباره این موضوع آن است که یا مابه‌التفاوت قیمت این کالاها باقیمت ارز مثلاً سامانه نیما به شکل یارانه نقدی به مردم پرداخت شود و یا سبد کالای مشخصی تعیین و دسترسی مردم به این سبد باقیمت‌های یارانه‌ای تضمین شود.

۴. اگرچه در میان مدت و به‌ویژه با استفاده از فرصت تهیه و تصویب برنامه هفتم باید طرحی نو برای استفاده از منابع نفت و گاز در کشور درانداخت اما حداقل در چارچوب احکام برنامه ششم توسعه، حفاظت از کیان صندوق توسعه ملی از طریق واریز کامل منابع سهم صندوق توسعه ملی از محل منابع حاصل از صادرات نفت و خالص صادرات گاز و اختصاص سریع آن به طرح‌های سرمایه‌گذاری دارای توجیه اقتصادی بخش خصوصی و تعاونی قابل توصیه اکید است. لذا پیشنهاد می‌شود در لایحه بودجه ۱۴۰۰ هرگونه استفاده بودجه‌ای از این منابع حذف شود.

۵. اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران به نمایندگی از بخش خصوصی که به شکل رسمی در اقتصاد ایران فعالیت می‌کنند، همواره معتقد بود که عمده‌ترین مسیر کمک بخش خصوصی به توسعه کشور پرداخت مالیات حق دولت است و همزمان خواهان آن است که دولت با تکمیل سامانه جامع مالیاتی و گسترش پایه‌های مالیاتی از فشار مالیاتی بر کسب و کارهای رسمی بکاهد. لذا انتشار گزارش مستقلی درباره دلایل توجیهی پیش‌بینی رشد ۵۵ درصدی مالیات بر اشخاص حقوقی خصوصی و درعین حال رشد منفی اشخاص حقوقی دولتی موردنیاز است به‌گونه‌ای که نشان دهد هر یک از متغیرهایی مانند تورم و نرخ ارز چه تأثیری بر سود شرکت‌ها در بخش‌های مختلف (از قبیل پتروشیمی، فولاد، معدن و غیره) گذاشته‌اند و چه سهمی در این پیش‌بینی دارد. همچنین چه سهمی از این افزایش مربوط به مقابله با فرارهای مالیاتی یا کاهش معافیت‌ها و امتیازهای مالیاتی است.

۶. با توجه نکات بیان‌شده درباره حجم منابع طرح‌های عمرانی و تخصیص منابع به این طرح‌ها، پیشنهاد می‌شود مجلس شورای اسلامی در تصویب بودجه طی حکمی دقیق روند نامطلوب ۲۰ سال اخیر را تغییر دهد و تخصیص حداقلی از منابع حاصل از نفت و گاز به طرح‌های عمرانی را تضمین کند و دولت تنها مجاز باشد که

پس از تخصیص اعتبارات عمرانی و در صورت مازاد منابع حاصل از نفت و گاز بر اعتبارات طرح‌های عمرانی، منابع اضافی را صرف پرداخت هزینه‌های جاری نماید. علاوه بر این تجربه ۴ سال اخیر نشان داد که از طریق یک تبصره بودجه‌ای نمی‌توان به گسترش ایده مشارکت عمومی - خصوصی در احداث زیرساخت‌های مورد نیاز کشور امید بست. ضمن آنکه لایحه تقدیمی دولت درباره این موضوع نیز نیازمند اصلاحات اساسی است. امید است مجلس شورای اسلامی با توافق دولت بتواند قانون منسجم و دقیقی را تصویب کند که زمینه‌ساز انعقاد قراردادهای بلندمدت بین سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و دولت باشد و با استفاده اتکایی از منابعی مانند منابع صندوق توسعه ملی سرمایه‌های داخلی و خارجی برای توسعه سریع زیرساخت‌های کشور و تحرک هرچه بیشتر بخش پیمانکاری ارزشمند کشور فراهم شود.

۷. حمایت از تولید ملی و تشویق سرمایه‌گذاری و تولید می‌تواند مهم‌ترین معیار هر نوع تصمیم‌گیری‌های درباره احکام و ردیف‌های بودجه‌ای قرار گیرد. تشویق صادرات غیرنفتی و حمایت از صادرکنندگان شناسنامه‌دار و قوی می‌تواند راز نجات اقتصاد کشور از وابستگی به منابع حاصل از نفت باشد.

۸. تجربه نشان داده است که در بودجه‌های سالانه می‌توان تصمیمات خلق‌الساعه مالیاتی و ارزی و تعرفه‌ای و پولی گرفت اما بخش عمده‌ای از این تصمیمات به دلیل ماهیت یک‌ساله بودجه امکان اجرا نمی‌یابند و اگر هم اجرا شوند نه درآمد چندانی برای دولت ایجاد می‌کنند و نه به اهداف از پیش تعیین‌شده دست پیدا می‌کنند. اما این‌گونه تصمیمات مهم‌ترین اثر را بر ناامن کردن محیط کسب‌وکار و عدم اطمینان فعالان اقتصادی دارند. از این حیث انتظار می‌رود مجلس شورای اسلامی به این موضوع مهم در همه تصمیم‌گیری‌ها توجه کند.